

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۰۱ جنوری ۲۰۱۷

آیا جشن کریسمس و سال نو میلادی ریشه مذهبی دارند؟!

این روزها اکثر مردم جهان در تکاپوی برگزاری جشن‌های کریسمس و سال نوی میلادی ۲۰۱۷ هستند. خیابان‌ها و مغازه‌ها از یکی دو ماه پیش چراغانی و آذین‌بندی شده است، و اغلب مردم به‌مناسبت این ایام در شور و هیجان شادی و شیرینی و همبستگی بهسر می‌برند. کریسمس کنونی خلاف ریشه تاریخی‌اش نه یک جشن مذهبی، بلکه جشنی سکولار همراه با شادی و سرور و همبستگی است. یعنی عملاً گرمی‌داشتن دوستی، همبستگی، عشق، تفاهم و صلح است.



پس بیاییم به‌سالی که جدید و تازه‌ست خوش‌آمد بگوئیم، گرمی بداریم، به‌استقبال آن بشتابیم با این امید و آرزو و البته اراده که در سال جدید عشق، دوستی، رفاقت و صلح بر تفرقه و تبعیض، دشمنی و خصومت، کینه و انتقام‌جویی، جنگ و کشتار، اختناق و سانسور، ستم و استثمار غلبه کند و جای تاریک‌اندیشان را به‌معنای واقعی روشن‌گری و روشن‌اندیشان بگیرد.

ایام کریسمس و سال نو، همه جا پر از نور و زیبایی است. رنگ‌های گوناگون، از زیبایی‌ها و محبت‌ها. پیام‌آور صلح و دوستی. چه چیزی پر بهاتر و ارزشمندتر از آزادی، برابری، عدالت اجتماعی و صلح و دوستی و امنیت و آرامش در روی کره زمین است. همه انسان‌ها پیشرو و مترقی و برابری‌طلب و عدالت‌جو به‌دنبال آن هستند. طبیعت انسان و همه موجودات جاندار، در همه زیبایی‌ها است. گردش ایام و تغییرات فصول سال یکی از شاهکارهای طبیعت است. هر فصلی زیبایی خاص خودش را دارد. زمستان اگر نباشد و برف‌های انبوه اگر نیارد، هرگز بهار و تابستان جلوه زیبایش را نشان نخواهد داد.

آیا جشن کریسمس و سال نو میلادی ریشه مذهبی دارند؟!

آیا کریسمس جشنی مذهبی است؟ آیا این جشن، ریشه در اعتقادات مسیحیت دارد؟ اختلاف نظر مسیحیان در زمان برگزاری این جشن چه معنایی دارد؟ یهودیان در این میان چه نقشی دارند؟

واژه «پاگان» در مسیحیت به‌معنای کافر، مشرک و دور از دین است. ادیان پاگانی به‌ادیان چند خدائی پیش از مسیحیت اطلاق می‌شود که در زمان ظهور مسیحیت رقیبی جدی برای مسیحیت محسوب می‌شدند. پیروان این ادیان به‌پرستش الهه‌های یونانی و رومی، مصری و دیگر خدایان اساطیری می‌پرداختند. مسیحیت سعی در براندازی این کیش‌ها داشت و توانست در بسیاری از مناطق به‌پیروی از آن‌ها خاتمه دهد. اما در مناطق دور افتاده پیروان این ادیان بر سر اعتقادات خود باقی ماندند؛ در قرون وسطا در حاشیه جوامع به‌حیات خود ادامه دادند و هم اکنون نیز طرفدارانی در برخی مناطق دارند. با این وجود بنا به‌مصلح تاریخی خود برخی از دست‌اندرکاران کلیسا تعدادی از نمادها و رسم و رسوم پاگانستی را با تعاریف جدیدی در دنیای مسیحیت حفظ کرده اما هم چنان نیز این اختلافات ادامه دارد.

برخی رهبران کلیسا و نیز لژهای فراماسونری در دنیای مسیحیت پراکنده شده است. برای مثال، صحن کلیسای اعظم سنت پیتر در واتیکان دارای ستون‌هایی با راس هرمی شکل است که در واقع نمادهایی از ادیان باستانی مصر هستند. یکی دیگر از میراث‌های به‌جا مانده از پاگانستی‌ها برای دنیای مسیحیت جشنی است که آن را امروزه با نام جشن کریسمس می‌شناسیم که ریشه در آئین‌ها و اعتقادات باورمندان به‌چندخدائی در زمان‌های پیش از ظهور مسیحیت دارد و بخشی از کلیسا بنا به‌مقتضیات زمانی سعی در مطرح کردن آن به‌صورت یک آئین مذهبی مسیحی داشته است.

کریسمس جشنی است که در برهه‌ای از تاریخ برخی از رهبران کلیسا آن را به‌تولد مسیح گره زده و به‌آن رنگ مذهبی دادند. اصولاً رهبران مسیحیت در دو قرن نخست میلادی مخالف اعلام جشن و شادمانی به‌مناسبت سالروز تولد بزرگان دینی خود، از جمله مسیح، بودند. آن‌ها معتقد بودند که برپائی جشن تولد یک آئین پاگانستی است و کیش مسیحیت نباید از رسم و رسوم «مشرکین» الگوبرداری کند. در طرز تفکر دین‌مداران عیسوی آن دوره، روز واقعی تولد و زندگی بزرگان دینی روز شهادت و پیوستن ایشان به‌جهان آخرت بود نه روزی که از مادر زاده شده بودند. به‌همین دلیل منشأ دقیق انتخاب روز ۲۵ ماه دسمبر به‌عنوان روز میلاد عیسی مسیح از نظر تاریخی مبهم بوده و مشخص نیست که از چه زمانی مسیحیان برای میلاد مسیح جشن و پایکوبی به‌راه انداخته‌اند. زیرا که حتی در انجیل‌های چهارگانه نیز برای تولد عیسی مسیح هیچ تاریخی ذکر نشده است. به‌نظر می‌رسد پس از مرگ رهبران اولیه مسیحیت در دو قرن نخست، بالاخره تلاش برای شکل و شمایل مذهبی دادن به‌آئین‌های پاگانستی برای جذب مؤمنین جدید به‌آئین مسیحیت نتیجه داده و ابتداء روز مشخصی برای تولد عیسی مسیح شده است.

از این‌رو، برای نخستین بار در سال ۲۲۱ پس از میلاد است که در نوشته‌های سکستوس ژولیوس افریکانوس، ۲۵ دسمبر به‌عنوان روز تولد مسیح ذکر شده و رفته‌رفته در بخش بزرگی از دنیای مسیحیت مورد قبول واقع شده است.

انتخاب ۲۵ دسمبر به‌عنوان زادروز عیسی مسیح و برپائی جشن و سرور در آن روز در اوایل قرن چهارم مورد حمایت کنستانتین امپراتور روم که به «پدر کلیسا» مشهور است واقع شد و بدین ترتیب آئین کریسمس بیش از پیش در دنیای مسیحیت تثبیت گردید.

اسقف اعظم ارامنه آرداک مانوکیان در کتاب «جشن‌های کلیسای ارمنی» می‌نویسد: «در باره تاریخ تولد عیسی آگاهی‌های دقیق و موثقی در دست نیست. انجیل‌ها نیز در این باره آگاهی‌های ناچیزی می‌دهند. هیچ منبعی هم در دست نیست که با آن بتوان تاریخ دقیق میلاد مسیح را نشان داد. تا سده چهارم میلادی، همه مسیحیان میلاد مسیح را روز ششم جنوری جشن می‌گرفتند، اما در این سده، کلیسای کاتولیک رم تصمیم می‌گیرد که روز تولد عیسی مسیح را در ۲۵ دسمبر جشن بگیرند».

در منابع دیگر، کریسمس شکل مسیحی‌شده جشن «روز تولد خورشید شکست‌ناپذیر» در امپراتوری رم ذکر شده است که به‌عنوان نماد زایش خورشید و اتمام زمستان برگزار می‌شده است. این جشن نیز یک سنت غیرمذهبی بوده است که در آن رومیان هر ساله از ۱۷ تا ۲۵ دسمبر برای تشکر از سیاره کیوان یا خدای کشت و زرع به‌جشن و شادی مشغول می‌شدند. میترائیسم یا آئین پرستش «ایزد» در ایران باستان از دیگر ریشه‌های کریسمس مسیحی ذکر شده است که در آن در ۲۵ دسمبر مردم انقلاب زمستانی را با شرکت کردن در مراسمی معروف به‌میلاد «الهه میترا» جشن می‌گرفتند و رومیان فراوانی نیز ایرانیان را در این جشن همراهی می‌کردند. به‌طور کلی به‌نظر می‌رسد نوید آغاز بهار و گذر زمستان برای تمامی آئین‌های چند خدائی پیش از مسیحیت به‌وعی با شادی و جشن همراه بوده است.

در واقع کلیسای کاتولیک با روز ۲۵ دسمبر به‌عنوان روز میلاد عیسی مسیح، خواسته است به‌مراسم‌های زمستانی پیروان پاگان‌یسم در آن زمان، از معتقدان به‌خدایان رومی و یونانی و میترا و نیز ادیان باستانی مصر که همگی به‌طور متفق‌القول جشنی زمستانی در رسوم خود داشته‌اند؛ معنا و مفهوم مسیحی داده و بر پیروان خود بیفزاید. با این حال اختلافاتی که در مورد تاریخ برگزاری جشن میلاد مسیح بین عیسویان وجود دارد نشان‌دهنده آن است که این سیاست کلیسا مورد تأیید تمامی رهبران و دین‌مداران مسیحی نبوده و مخالفت‌هایی نیز وجود داشته است. هرچند نه به‌شدت مخالفت‌های دو قرن اول.

بسیاری از اعضای کلیسای کاتولیک روم و پیروان آئین پروتستان، کریسمس را در روز ۲۵ دسمبر جشن می‌گیرند. برخی از مسیحیان ارتودوکس در روسیه، اوکراین و فلسطین جشن کریسمس را در روز ۷ جنوری برپا می‌کنند و ارامنه نیز به‌طور منحصر به‌فردی روز میلاد مسیح را در ششم جنوری جشن می‌گیرند.

بر این اساس، بیش‌تر مسیحیان غربی هستند که ۲۵ دسمبر را به‌عنوان روز تولد مسیح به‌رسمیت شناخته‌اند؛ اما مسیحیان ارتودوکس شرق، ششم جنوری را برای جشن میلاد پیامبر خود، به‌رسمیت می‌شناسند. اختلافات بر سر جشن‌های کریسمس در جهان مسیحیت گاهی به‌مناقشات بزرگی منجر شده است. مثلاً در انگلستان در دوران حکومت کرومول در اواسط قرن هفدهم میلادی، پیوریتن‌ها که اعتقادات مسیحی محکمی داشتند با جشن گرفتن کریسمس به‌عنوان سنتی پاگانی و آمیخته با رسوم مشرکین مخالفت کردند و حتی پارلمان انگلستان مدتی جشن گرفتن کریسمس را ممنوع اعلام کرد.

یهودیان نیز در ایام زمستان، دارای جشنی با نام حنوکا یا حنوکه یا عید اخلاص یا جشن روشنائی هستند که برخی از آئین‌های کریسمس مسیحی از این جشن یهودی برگرفته شده است. یهودیان در جشن حنوکا، روزی از زمستان را جشن می‌گرفتند که پس از آن، شمارش معکوس برای آمدن بهار آغاز می‌شد. این جشن ۸ روز به‌طول می‌انجامیده که در هر

روز آن شمعی روشن می‌شده است. روشن کردن شمع برای یادآوری نور و گرمای خورشید و آمدن بهار بوده است. این جشن تقریباً با ایام کریسمس هم‌زمان است.

افزایش تعداد مسیحیان و نیز گسترش و تنوع یافتن آئین‌های کریسمس که از هر جایی رسمی به‌خود می‌گرفت؛ نظر یهودیان را برای بهره‌گیری اقتصادی از این جشن به‌خود جلب کرد.

واژه کریسمس از دو بخش «کریس» و «مس» تشکیل شده که به‌معنای مراسم عشای ربانی در روز مسیح است. که بعدها به‌معنای «جشن مسیح» استعمال شده است. مردم بسیاری در امریکای شمالی و جنوبی، اروپا، آسیا و دیگر مناطق جهان کریسمس را به‌عنوان مهم‌ترین رویداد سالانه مسیحی جشن می‌گیرند.

این جشن از اوایل قرن بیستم میلادی به‌بعد به‌تدریج وجهه مذهبی خود را از دست داده و هم‌اکنون بیش‌تر به عنوان یک جشن غیر مذهبی برگزار می‌شود. به‌طوری که امروزه بحث غیرمذهبی شدن کریسمس یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های رهبران کلیسا در دنیای غرب است. در سال‌های اخیر برخی سعی در حذف بخش «کریس» و در نتیجه پشتوانه مذهبی از عبارت کریسمس داشته‌اند.

نگاه غیر مذهبی امریکائی‌ها به کریسمس در اواخر قرن بیستم منجر به مناقشه‌های قانونی شد. عده‌ای بحث‌هایی در مورد ماهیت کریسمس و شناسائی آن به‌عنوان یک جشن دینی یا سکولار به‌پیش کشیدند و به رسمیت شناختن کریسمس را به‌عنوان تعطیلات فدرال نقض قانون جدائی کلیسا و دولت در امریکا دانستند.

دادگاه عالی امریکا در روز ۱۹ دسامبر ۲۰۰۰، تعطیلات رسمی و عمومی کریسمس را نقض‌کننده قانون جدائی دین از حکومت ندانست و اعلام کرد که این روز یک هدف کاملاً سکولار و غیرمذهبی را مدنظر دارد. این رأی دادگاه عالی با مخالفت مسیحیان رادیکال مواجه است. هرچند آنان از تعطیل بودن کریسمس حمایت می‌کنند اما غیرمذهبی شناختن این روز را ضربه‌ای به‌کیش مسیحی می‌دانند.

در سال ۲۰۰۵ نیز، عده‌ای از این مسیحیان امریکائی تظاهراتی علیه سکولار اعلام‌شدن کریسمس به‌راه انداختند و اعلام کردند کریسمس با اهداف سکولار و برنامه‌های ضد مسیحی مورد تهدید واقع شده است. اما غرب بیش‌تر به‌تأثیر اقتصادی کریسمس اهمیت می‌دهد تا وجهه مذهبی آن.

حتی عده‌ای از مسیحیان، بابائوئل یا سانتا کلاوس را یک شخصیت «شیطانی» می‌دانند که برای ضرب‌ه‌زدن به‌آئین مسیحیت مطرح شده است.

رومیان در بزرگداشت «میلاد خورشید شکست‌ناپذیر» (natalis solis invicti) و موسم برداشت محصول، همه ساله در نیمه زمستان، یعنی از ۱۷ تا ۲۴ دسامبر، کاروان‌های شادی بر پا می‌کردند و به‌جشن و پایکوبی می‌پرداختند. آنان در این ایام که به‌ایام «جشن خدای زحل» (Saturnalia) معروف بود، کمابیش همان می‌کردند که ایرانیان در شب یلدا: خوراک‌های مخصوص می‌خوردند، منازل خود را با گیاهان سبز می‌آراستند، به دید و بازدید یکدیگر می‌رفتند، و به‌هم هدیه می‌دادند.

و اما با پیروزی کنستانتین امپراتور مسیحی در سال ۳۱۲ و گسترش مسیحیت در دنیای روم، سنت پرستش میترا رفته‌رفته رو به افول نهاد. با این‌حال باورهای کهن دنیای باستان را نمی‌شد یک‌شبه ریشه‌کن کرد.

بدین ترتیب شب یلدا جشن ظهور میترا که پیشاپیش به‌خوبی در فرهنگ و باورهای دینی دنیای روم ریشه دوانده بود و قدمتی دیرینه داشت، تا سال ۳۳۶ میلادی رسماً به‌عنوان سال‌روز میلاد مسیح یا کریسمس شد و جای میترا را مسیح گرفت. این‌که چرا ۲۵ دسامبر انتخاب شد به‌درستی روشن نیست، اما رومیان به احتمال زیاد این روز را که آخرین روز جشن‌های نیمه زمستان بود، روز تولد میترا می‌دانسته‌اند.

با این حال تبدیل جشنی غیرمذهبی به جشن مذهبی میلاد مسیح، در ابتداء سخت با مخالفت روبه‌رو شد. بخش شرقی امپراتوری روم، ۶ جنوری را روز تجلی خدا بر آدمیان (Epiphany) در قالب تولد و تعمید عیسی می‌دانست، و کلیسای اورشلیم نیز تنها ۶ جنوری را به‌عنوان روز میلاد مسیح معتبر شمرد و جشن می‌گرفت. اما رفته‌رفته کلیساهای شرق نیز، ولو با اکره، مخالفت را کنار گذاشتند و سنت برگزاری عید میلاد مسیح در روز ۲۵ دسامبر را پذیرفتند، به‌طوری‌که این روز تا پایان قرن چهار تقریباً در همه جا رسماً به‌عنوان روز تولد مسیح جشن گرفته می‌شد. تنها استثناء، کلیسای ارمنی بود که هنوز هم میلاد مسیح را روز ۶ جنوری می‌داند و ۲۵ دسامبر را به‌عنوان جشن «بت‌پرستان» مردود می‌شمرد.

اعضای بیش‌تر کلیساهای ارتودوکس در سراسر دنیا نیز روز بیست و پنجم دسامبر را به‌عنوان میلاد مسیح جشن می‌گیرند. برخی از مسیحیان ارتودوکس در روسیه، اوکراین، سرزمین «مقدس» (ناحیه تاریخی فلسطین) و دیگر مکان‌ها، به‌سبب پیروی از گاهشماری یولیانی، جشن کریسمس را در روز ۷ جنوری برپا می‌دارند. اعضای کلیسای ارمنه طبق سنت منحصر به‌فردی، روز میلاد و همچنین روز غسل تعمید مسیح را هم‌زمان در روز ششم جنوری جشن می‌گیرند.

ایام دوازده روزه کریسمس با سال‌روز میلاد مسیح در ۲۵ دسامبر آغاز گشته و تا جشن خاج‌شوین در روز ۶ جنوری ادامه می‌یابد.

درخت کریسمس؛ یک‌درخت طبیعی یا مصنوعی است که با روبان‌ها و چراغ‌های رنگی تزئین می‌شود و در کریسمس در خانه‌ها یا بازار قرار داده می‌شود و کادوها زیر آن قرار داده می‌شود.

در عصر رومن‌ها، جشن ساتورنالییا مشهورترین جشن زمستانی و زمان استراحت، جشن، شادی و پایان قوانین رسمی محسوب می‌شد. این جشن به‌احترام ساتورن از ۱۷ تا ۲۴ دسامبر برگزار می‌شد اما در دوره امپراتوری این جشن از هفت به پنج روز تقلیل یافت.

ناتالیس سولیس ایویجتی روز ۲۵ دسامبر تحت عنوان «تولد خورشید مغلوب نشدنی» جشن گرفته می‌شد و دربرگیرنده ستایش الهه‌ها و خدایان خورشید بود. الگابالوس امپراتور رومی (۲۲-۲۱۸) بنیان‌گذار این جشن بود که مجبوبیت آن در دوران ارلیلیان به اوج خود رسید. روز ۲۵ دسامبر، همچنین تاریخ انقلاب زمستانی است و این جشن نشان‌دهنده عدم مغلوب شدن خورشید در زمستان بود. بسیاری از نویسندگان اولیه مسیحیت تولد دوباره خورشید را به‌تولد مسیح نسبت داده‌اند و کاتولیک‌ها استدلال می‌کنند که جشن سول اینویکتوس همان تاریخ کریسمس و میلاد مسیح است.

جشن یول در اواخر دسامبر و اوایل جنوری برگزار می‌شد و هدف از آن احترام و ستایش خدای رعد بود؛ یک‌کنده بزرگ چوب را با این اعتقاد بود که هر اندازه جرقه رعد بیش‌تر باشد نشان‌دهنده تعداد خوک یا گوساله‌هایی است که سال آینده متولد خواهد شد آتش می‌زدند و جشن تا سوختن کامل کنده ادامه داشت و گاهی به ۱۲ روز می‌کشید. از آن‌جا که اروپای شمالی از آخرین بخشهایی بود که به مسیحیت روی آورد جشن‌های غیر مسیحی آن‌ها تأثیر بسیاری بر شکلی‌گیری جشن کریسمس داشت. اسکاندیناوی‌ها هنوز هم کریسمس را یول می‌نامند، که این کلمه به تدریج در زبان‌های انگلیسی و آلمانی معادل کریسمس شد.

توس جولوس آفریکانوس، نخستین مؤرخ مسیحی بود که شرح وقایع جهانی را آغاز کرد در رایج کردن این ایده که مسیح روز ۲۵ دسامبر متولد شد نقش محوری داشت. این تاریخ نه ماه پس از تاریخ آبیستن شدن مریم ۲۵ مارچ، محسوب می‌شود. از سوی دیگر، ۲۵ مارچ تاریخ اعتدال بهاری بوده است.

نخستین اشاره به جشن کریسمس (میلاد مسیح) در تقویم فیلوکالوس مشاهده می‌شود که در سال ۳۵۴ در روم گردآوری شد.

پس از مرگ والنس امپراتور طرفدار عقاید اریوس در نبرد ادیرنه سال ۳۷۸ جشن کریسمس در شرق رنگ بیش‌تری به‌خود گرفت، اما این روند در قرن چهارم بیش از پیش مجادله برانگیز بود و پس از آن‌که گریگوری نازیانوس در سال ۳۸۱ به‌عنوان اسقف منصوب شد این جشن از میان رفت و در سال ۴۰۰ با انتصاب جان کریستوستوم بار دیگر به‌قوت خود باز گشت.

اوایل دوران قرون وسطا روز کریسمس تحت تأثیر جشن تمید مسیح بود. اما تقویم قرون وسطی تحت نفوذ تعطیلات مربوط به کریسمس قرار گرفته بود. برجستگی کریسمس پس از امپراتوری شارلمان تقویت شد، چرا که مراسم تاج‌گذاری وی در روز کریسمس سال ۸۰۰ و ویلیام اول پادشاه بریتانیا روز کریسمس سال ۱۰۶۶ انجام شد.

در اواسط قرون وسطا تعطیلات کریسمس به‌قدری پررنگ بود که وقایع‌نویسان و مؤرخان به‌کرات اشاره کرده‌اند که بسیاری از نجیب‌زادگان و اشراف کریسمس را جشن می‌گرفتند. ریچارد دوم پادشاه انگلستان در سال ۱۳۷۷ جشن کریسمسی برگزار کرد که ۲۸ گاو و ۳ هزار گوسفند به‌عنوان غذا مصرف شد. سرود خواندن در جشن‌های کریسمس نیز از قرون وسطا شکل گرفت، اما بسیاری از نویسندگان آن زمان این گروه‌های موسیقی را تقبیح کرده و اظهار داشتند که این شیوه ممکن است به ادامه یافتن سنت‌های ساتارنولیا و یول منتهی شود.

در طول دوره اصلاحات مسیحیت، پروتستان‌ها جشن کریسمس را به‌عنوان تجملات کلیسای کاتولیک و پاپ‌ها محکوم کردند. کلیسای کاتولیک نیز به‌واسطه افزایش مؤلفه‌های دینی این جشن‌ها، به‌انتقاد پروتستان‌ها واکنش نشان داد. طی جنگ داخلی بریتانیا، در سال ۱۶۴۷ پروتستان‌های هوادار ساده‌زیستی و سخت‌گیری مذهبی کریسمس را ممنوع کردند اما طرفداران کریسمس در چندین شهر تظاهرات کرده و به‌مدت چند هفته کنترل کانتربری (مقر اسقف اعظم انگلیس) را در دست گرفتند. در سال ۱۶۶۰، دوران بازگرداندن چارلز دوم به سلطنت این ممنوعیت از بین رفت، اما هنوز هم برخی از روحانیون انگلیس با استناد به استدلال‌های پروتستان با جشن کریسمس مخالف هستند.

در آمریکا که مستعمره انگلستان بود، پیوریتن‌ها (پروتستان‌های هوادار ساده‌زیستی و سخت‌گیری مذهبی) با کریسمس مخالفت کردند و جشن کریسمس از سال ۱۶۵۹ تا ۱۶۸۱ در بوستن غیرقانونی تلقی می‌شد. در همان‌زمان ساکنان ویرجینیا و نیویورک مراسم کریسمس را آزادانه برگزار می‌کردند، پس از انقلاب آمریکا به‌علت نسبت دادن کریسمس به رسوم انگلیسی جشن کریسمس محبوبیت خود را از دست داد.

طی دهه ۱۸۲۰، که تنش‌های فرقه‌ئی در انگلستان آرام شده بود، نویسندگان بریتانیایی نسبت به از بین رفتن و کم‌رنگ شدن جشن کریسمس ابراز نگرانی کردند و تلاش‌هایی در راستای احیای این سنت‌ها صورت گرفت. کتاب ترانه کریسمس چارلز دیکنز که در سال ۱۸۴۳ منتشر شد نقش مهمی در خلق مجدد کریسمس با محور خانواده، حسن‌نیت و مهربانی ایفاء کرد.

اوایل قرن نوزدهم علاقه به کریسمس در آمریکا به‌واسطه چند داستان کوتاه نوشته واشنگتن ایروینگ احیاء شد. مهاجران المانی و آمریکائی‌هایی که پس از جنگ داخلی آمریکا به‌کشور بازگشتند سهم مهمی در آوردن سنت‌های کریسمس اروپائی به قاره آمریکا برعهده داشتند. کریسمس در سال ۱۸۷۰ به‌عنوان یکی از تعطیلات فدرال ایالت متحده اعلام شد.

در سال ۱۹۱۴، نخستین سال جنگ جهانی اول میان سربازهای آلمانی و بریتانیایی آتش‌بس موقت و غیررسمی شکل گرفت و سربازان هر دو طرف اقدام به خواندن سرودهای کریسمس کرده و جنگ را متوقف کردند، از سوی دیگر داستان‌های بسیاری درباره این آتش‌بس روایت شده اما شواهدی مبنی بر وقوع این رویداد وجود ندارد.

اواخر قرن بیستم، آمریکا با مناقشه‌ای بر سر ماهیت کریسمس و جایگاه آن به‌عنوان جشن دینی یا سکولار مواجه شد، چرا که برخی به رسمیت شناختن کریسمس را به‌عنوان تعطیلات فدرال نقض قانون جدائی کلیسا و دولت می‌دانند و این امر چندین بار در دادگاه‌های مختلف مطرح شد و دادگاه عالی ایالات متحده روز ۱۹ دسامبر ۲۰۰۰ حکم داد که به رسمیت شناختن روز کریسمس به‌عنوان تعطیلات رسمی و عمومی نقض کننده قانون جدائی دین از حکومت نیست چرا که این روز یک هدف واضح سکولار در پی دارد.

نگرانی‌هایی که در رابطه با ترکیب ماهیت سکولار با کریسمس مسیحی وجود داشت در قرن بیست و یکم نیز ادامه دارد. در سال ۲۰۰۵ برخی از مسیحیان همراه محافظه‌کاران امریکایی علیه سکولار شدن کریسمس تظاهرات کردند. برخی اعتقاد دارند که کریسمس با روندهای سکولار یا اشخاص و سازمان‌های ضد مسیحی مورد تهدید واقع می‌شود.

از زمان‌های بسیار کهن، درخت و گیاه مورد پرستش مردمان بوده‌اند. کلیسای ارمنی نیز پس از پذیرش مسیحیت نه تنها عیدی را برای تقدس گیاه به‌عنوان جزئی از طبیعت در تقویم کلیسایی قرار داد، بلکه به تقدیس آن پرداخت. بدین ترتیب هیچ عید و جشنی نمی‌توانست بدون تبرک گیاه انجام نشود. اما آغاز تزئین درخت در ایام سال نو میلادی بنا بر گفته‌ها و روایات به‌سال ۱۶۰۵ در آلمان بر می‌گردد. به‌روایتی تزئین درخت کاج به‌صورت امروزی را برای نخستین‌بار «مارتین لوتر» آلمانی باب نمود.

وی عادت داشت، که در شب میلاد عیسی مسیح، شاخه‌های درختان کاج به‌خانه بیاورد و برای شادمانی کودکان آن را تزئین کند و همین عادت، بعدها به یک رسم و آیین عمومی تبدیل شد و در سال ۱۸۴۰ میلادی مراسم آراستن درخت به انگلستان و سپس به آمریکا و سایر کشورها راه یافت.

با توجه به این که کودکان و بزرگسالان هر دو به یک اندازه به تزئین درخت کریسمس علاقه دارند، شاید یادآوری عناصر تشکیل‌دهنده تزئینات درخت کاج مفید باشد.

از دیگر ویژگی‌های درخت کاج، بابائولی است که با کیسه هدایا بردوش زیر درخت ایستاده است.

رنگی درخشان و نیز ستاره‌ها و تزئینات درخت کاج و چراغ‌های ریز الوان است که تمامی درخت و اطراف آن را در بر می‌گیرد. هدیه‌هایی را که برای افراد خانواده و خویشاوندان تهیه شده نیز زیر درخت گذاشته می‌شود.



از قرن نوزدهم، سنت تزئین درخت کاج در کشورهای شمالی و اروپایی و کانادا و ایالات متحده رایج می‌شود. در بسیاری از موارد از درخت صنوبر به‌عنوان درخت کریسمس استفاده می‌شود.

اما بابا نوئل یا سانتا کلاوس در سال ۱۸۲۲ در امریکا و در نوشته‌های دکتر مور که داستان‌های کودکان را می‌نوشت، متولد گردید. به این ترتیب، بابا نوئل جایگزین سن نیکلاس می‌شود.

امروز افسانه بابا نوئل که به شکل یک مرد کوچک اندام چاق و خوش رو با ریش سفید، لباس قرمز و چکمه‌های مشکی درآمده است. وی سوار بر سورتمه‌ای که گوزن‌ها آن را می‌کشند سراسر اروپا، امریکا، کانادا را درمی‌نوردد و هدایای کودکان را توزیع می‌کند.



در دومین دهه هزاره سوم بابا نوئل مدرن‌تر می‌شود. امروز می‌توان وی را در تلویزیون مشاهده کرد، صدای او را از رادیو شنید و حتی کودکان می‌توانند با تماس تلفونی هدایای درخواستی خود را به او بگویند. امروز بابا نوئل دارای یک آدرس اینترنتی است و با ایمیل به کودکان پاسخ می‌دهد!

همان‌طور که می‌دانیم، یکی از اعیاد مهم ایرانی شب «یلدا» یا شب «چله» است. این شب که مصادف است با ۲۱ دسمبر، درازترین شب سال و شب آغاز اعتدال زمستانی است. یلدا در زبان سریانی به معنای «میلاد» است. ایرانیان قبل از ظهور زرتشت عقیده داشتند که در چنین شبی «میترا» یا «مهر» خدای شکست‌ناپذیر خورشید، مهر و دوستی، محبت، نور و عدالت، به طرزی معجزه‌آسا کنار یک نهر آب از دل تخته‌سنگی زاده شد. تولد او را گروهی از چوپانان در کمال بهت و حیرت شاهد بودند. میترا گاو سپید مقدسی دارد که همه جا مؤنس و همراه او است. یک روز خدای خورشید فرستاده خود کلاغ را نزد میترا می‌فرستد با این فرمان که گاو خود را قربانی کن. میترا با اکره چنین می‌کند. گاو را می‌کشد و ناگاه از خون آن، دنیا و هر چه در آن است پدید می‌آید؛ از ماه و ستارگان گرفته تا گردش فصول و روشنایی روز.

پس از این قربانی، میترا و خدای خورشید با هم به اکل و شرب می‌پردازند، و میترا سوار بر ارابه خدای خورشید بر فراز اقیانوس‌ها به پرواز درآمده، به آسمان‌ها برده می‌شود و از آن پس به عنوان میانجی بین آفریدگار و آفریدگان وساطت می‌کند (معنای اصلی میترا نیز «واسطه» یا «میانجی» است). بدین ترتیب ایرانیان باستان پیش از ظهور زرتشت، میترا را می‌پرستیدند و همه ساله در بزرگداشت میلاد او جشن‌هایی برگزار می‌کردند. در یکی از سروده‌های دوران باستان در ستایش میترا چنین آمده است: «تو با ریختن آن خون ازلی، ما را فدیة دادی».

با ظهور زرتشت و گرویدن شاهان هخامنشی به این آئین، عناصر مربوط به پرستش میترا (یا میترائیسم) رفته‌رفته در آئین جدید ادغام شد. با این حال آئین میترا هیچ‌گاه به‌طور کامل از بین نرفت. شاهان ایرانی سلسله هخامنشی از داریوش (۵۲۲ تا ۴۸۶ ق.م) به بعد، با این‌که خود پیرو زرتشت بودند، پی در پی نبودند و نمی‌خواستند با عقاید کهن مذهبی که هنوز بسیاری از مردم و اشراف آن‌ها را عزیز می‌داشتند در افتند. به همین جهت، بسیاری از عقاید میترائیسم

را نگاه داشتند و در آئین زرتشت ادغام کردند. میترا خدای خورشید و نور، با اهورامزدا خدای روشنایی تداعی شد، و در تقابل با اهریمن خدای تاریکی قرار گرفت. شب یلدا یا شب میلاد میترا خدای نور نیز کماکان گرمی داشته می‌شد، با این استدلال که در پیکار مستمر بین نیروهای تاریکی و روشنایی، بزرگترین نبرد در چنین شبی رخ می‌دهد و در نهایت روشنایی پیروز می‌شود؛ از این پس روز درازتر و شب کوتاه‌تر می‌شود، گرما و نور رو به‌فزونی می‌نهد و سرما و ظلمت رو به‌کاهش، و نیکی بر بدی، و اهورامزدا بر اهریمن، چیره می‌گردد. ایرانیان که آتش و حرارت را مظهر اهورامزدا خدای نور و نیکی می‌دانستند، در چنین شبی بیرون از منازل خود آتش روشن می‌کردند و در داخل، اعضای خانواده زیر حرارت کرسی کنار هم به شب‌زنده‌داری می‌پرداختند.

آنان شب را با افروختن آتش و روشن کردن چراغ به صبح می‌رساندند، تا از این طریق در نبرد «خورشید» با تاریکی به او کمک کرده باشند. آجیل و فندق و هندوانه و حلوا می‌خوردند، و بدین گونه پایان سردی و آغاز گرمی را گرمی می‌داشتند. جالب این‌جا است که درخت سرو یا «سرو یلدا» نیز به‌عنوان سمبول استقامت و پایداری در برابر سرما و تاریکی، در معابد میترا وجود داشت و در چنین شبی از آن استفاده می‌شد. جوان‌ترها هر آرزویی داشتند به‌طور نمادین دور پارچه‌ای ابریشمی می‌پیچیدند و بر شاخه‌های سرو می‌آویختند. در پای درخت نیز هدایایی تقدیم میترا می‌کردند به این امید که آرزوهای‌شان را برآورده سازد.

چنین سنت‌هایی در پی جنگ‌های ایران و یونان رفته‌رفته به اروپا نیز راه یافت. آئین میترا به زودی در بسیاری از مناطق دنیای هلنی آن روزگار مریدانی پیدا کرد، و معابد متعدد به افتخار میترا بنا شد. باین‌حال احیای واقعی میترائیسم را در قرون دوم و سوم میلاد در امپراتوری روم شاهدیم. امپراتوران روم، میترا را که در ایران باستان مظهر وفاداری به پادشاه بود، بسیار باب‌طبع یافتند. امپراتورانی چون کومودوس (۱۸۰-۱۹۲ م.)، سپتیمیوس سوروس (۱۹۳-۲۱۱)، کاراکالا (۲۱۱-۲۱۷) و جولیان ملقب به جولیان مرتد، و نیز بسیاری از سربازان و افسران روم، سخت پیرو این آئین بودند و در روم، بریتانیا (در پی هجوم روم به سال ۴۳ م.)، و کناره‌های رود راین، دانوب و فرات، کنیسه‌ها و معابد متعددی برای میترا بر پا داشتند. دیوکلیتیان امپراتور روم هنگامی که در صدد احیای حکومت و مذهب روم باستان برآمد، آئین میترا را از قلم نینداخت. او در سال ۳۰۷ معبد بزرگی در کناره رود دانوب واقع در نزدیکی وین برای میترا ساخت و او را «حامی امپراتوری روم» لقب داد.

بدین ترتیب، میترائیسم به یمن امپراتوران روم و سربازان‌شان، در قرون ۳ و ۴ به‌عنوان مهم‌ترین رقیب آئین نوپای مسیحیت قد علم کرد و سخت در بین رومیان رواج یافت.

در ایران نیز سال‌هاست که در آستانه بیست‌وپنجم دسمبر وقتی سری به‌مرکز خرید، پاساژها و خیابان‌های تجاری بزنید کاملاً می‌توان مشاهده کرد که از کتاب‌فروشی‌ها گرفته تا فروشگاه‌های لباس، برخی فروشگاه‌های لوازم خانگی و الکترونیک، رستوران‌ها و بارزتر از همه اسباب‌بازی‌فروشی‌ها و مغازه‌های فروش کالاهای تزئینی با تغییر دکور، اضافه کردن نمادهای جشن آغاز سال نو میلادی یا فروش کالاهای مربوط به‌این ایام رنگ و بوی کریسمس به‌خود گرفته‌اند.

در این بین برخی فروشگاه‌ها به‌مناسبت این ایام به کلی کالاهای خود را به کالاهای تزئینی ایام کریسمس تغییر داده‌اند و اتفاقاً از این بازار پر تب و تابی هم که ایجاد می‌شود سود خوبی عاید خود می‌کنند که بررسی لیست قیمت کالاهای شب عید میلادی و همچنین حجم تقاضایی که به‌خصوص در شب‌های نزدیک به ۲۵ دسمبر وجود دارد به خوبی گردش بالای مالی آن را نشان می‌دهد.

مغازه‌های تخصصی فروش کالای کریسمس یا واحدهائی که در کنار کالای اصلی خود عرضه می‌کنند با تنوع بسیار بالائی مواجه هستند که شاید بتوان گفت صدها قلم جنس شامل درخت، لوازم تزئینی آن، عروسک‌های بابانوئل، لباس‌ها یا طرح‌های مربوط به جشن، ابزار آلات موزیکال و سایر اقلام ریز و درشت رنگی و جذابی می‌شود که با اطمینان می‌توان گفت تمامی آن‌ها وارداتی و اغلب «چینی» است.

این روزها طبق گزارش رسانه‌های ایران، قیمت درخت کریسمس بدون تزئین آن، بسته به اندازه و کیفیت ساخت از ۸۰ هزار تومان تا حدود یک میلیون تومان قیمت دارد و لوازم تزئین آن نیز نسبتاً گران به‌شمار می‌رود؛ به‌طوری که گوی‌های تزئین بنا بر جنسی که دارند اعم از شیشه‌ای، پلاستیکی، طرح‌دار، رنگی یا تک رنگ در بسته‌های مختلف شش تا ۱۸ تائی عرضه می‌شود که بسته‌های شش تائی آن از ۴۰ تا ۸۰ هزار تومان قیمت دارند.

با توجه به کالاهای موجود با قیمت‌هایی که برای آن به‌دست آمده است یک درخت کریسمس تزئین شده را می‌توان بسته به میزان هزینه‌ای که یک مشتری مدنظر دارد بین ۱۲۰ هزار تا چهار میلیون تومان به‌فروش رساند.

همچنین دیگر کالاها مانند عروسک‌های موزیکال نیز با تخفیف شب عید از ۳۵ تا ۶۵ هزار تومان در اندازه‌های کوچک عرضه می‌شوند و در این بین می‌توان عروسک‌های بادی بزرگ مکانیکی بابانوئل را هم پیدا کرد که قیمتی معادل ۴۰۰ تا ۹۰۰ هزار تومان در بازار دارند.

این بازار متنوع محدود به مغازه‌های تخصصی فروش کالای شب عید سال نو میلادی نمی‌شود، بلکه این روزها در کافه و رستوران‌ها حداقل تم شب عید به‌چشم می‌خورد و در برخی موارد هم غذاهائی ویژه با طرح‌های مربوط به کریسمس تدارک دیده می‌شود. همچنین فروشگاه‌های لباس که پوشاک فانتری مختص شب عید را به ارائه می‌کنند؛ به‌طوری که یک‌دست لباس بابانوئل در سایز متوسط بزرگسال ۲۴۰ هزار تومان با کلاه و ریش مصنوعی و کفش مخصوص، یا حتی لباس‌هایی که با تم‌های جشن سال نو شخصیت‌ها و نمادهای آن در قالب تی‌شرت، جوراب، شلوار، بافت و ... به‌فروش می‌رسند.

اما یک مسأله جالب و قابل توجهی که در خریدهای پرتلاطم لوازم شب عید به‌چشم می‌خورد این است که تعلق دینی خاصی در این باره وجود ندارد و یک فروشنده قدیمی لوازم کریسمس، به یکی از رسانه‌های ایران می‌گوید که حدود ۹۰ درصد خریداران کالاهای سال میلادی غیرمسیحی هستند، چرا که خانواده‌های مسیحی اغلب لوازم عید را به‌طور دائم در خانه‌های خود دارند و هر سال از آن‌ها استفاده می‌کنند مگر عروس و دامادها یا خانواده‌هایی که قصد دارند لوازم خود را نو کنند.

نگاهی به این بازار نشان می‌دهد که تقریباً از همه اقشار برای این خرید به‌مراکز فروش مراجعه می‌کنند. از محله‌های مختلف و با سطوح مالی مختلف که تنوع بسیار بالای این بازار رنگارنگ این امکان را می‌دهد که تقریباً همه آن‌ها انتخاب‌های هم‌خوان با وضعیت مالی و ابعاد زندگی خود داشته باشند. البته این مسأله از سوئی نشان‌دهنده اعتراض به «فرهنگ و ایدئولوژی شیعی-اسلامی» حاکمیت دارد.

کریسمس و سال نو بر همه انسان‌های آزاده خجسته باد!

چهارشنبه هشتم دی [جدی] ۱۳۹۵ - بیست و هشتم دسمبر ۲۰۱۶